

مطالعه تطبیقی عملیات‌های دریایی جنگ جهانی اول و دوم با تأکید بر اصول جنگ

محمد رضا محمدی گودرزی^{۱*}

داوود آقا محمدی^۲

اسماعیل قمریان^۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲

چکیده

جهان در قرن بیستم شاهد دو جنگ بزرگ جهانی بود که در تاریخ بی‌نظیر است. در این دو جنگ که سهمناک‌ترین جنگ‌های تاریخ است، تقریباً تمام کشورهای جهان، شرکت داشته‌اند که هنوز اثرات آن در زندگی ملت‌ها، باقی است. جنگ‌های جهانی اول و دوم نقش عمده‌ای در مسیر صعود و افول قدرت‌ها و پیدایش کشورها و نظام‌های جدید و از بین رفتن برخی کشورها داشته است. در این میان عملیات‌های دریایی با توجه به تأثیرگذاری موثر در برخی از مقاطع حساس جنگ، از اهمیت خاصی برخوردار است. هدف پژوهش پاسخ به پرسش اصلی تحقیق «نقاط اشتراک و افتراق عملیات‌های دریایی جنگ‌های جهانی اول و دوم با تأکید بر اصول جنگ چیست؟» می‌باشد. پژوهش حاضر از نوع تاریخی و از نظر روش با رویکرد کیفی و از نوع تطبیقی است. داده‌های پژوهش به شکل کتابخانه‌ای و ترکیبی از منابعی چون کتاب، مجلات و منابع اینترنتی گردآوری شده است. نتایج تحقیق نشانگر آن است که تمرکز عملیات‌های دریایی جنگ جهانی اول بر اصل غافل‌گیری و تمرکز عملیات‌های دریایی جنگ جهانی دوم بر تمرکز قوا قرار داشته است.

واژگان کلیدی:

مطالعه تطبیقی، عملیات دریایی، جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم

^۱ دانشجوی دکترای علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

^۲ استاد دانشگاه دفاع ملی، تهران، ایران

^۳ دانشجوی دکترای علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: m.mohamadigoodarzi99@sndu.ac.ir

مقدمه

جنگ یکی از پدیده‌هایی است که در جوامع انسانی همواره وجود داشته و در طول حیات بشر، جزئی از زندگی اجتماعی وی را تشکیل داده است؛ به گونه‌ای که از سه هزار و چهارصد سال تاریخ ثبت شده جوامع انسانی، فقط سیصد سال (صلح بزرگ) آن بدون جنگ و خونریزی سپری شده است. (افشردی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶)

یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ بشری وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم بوده است. جنگ جهانی اول که به طور مستقیم و غیرمستقیم نقش بزرگی در تعیین تاریخ قرن بیستم داشته‌است، از ماه اوت ۱۹۱۴ تا نوامبر ۱۹۱۸ در اروپا بین آلمان، رهبر دول محور، و نیروهای متفقین به رهبری فرانسه و بریتانیا رخ داد. جنگ جهانی دوم نیز در اول سپتامبر ۱۹۳۹ با حمله آلمان به لهستان آغاز گردید. این جنگ علاوه بر اروپا در بخش‌های گسترده‌ای از قاره آسیا و آفریقا تأثیرات مخرب عمده‌ای برجای گذاشت. علل اصلی جنگ جهانی دوم عبارت بود از اشتباهات عهدنامه ورسای (۷ مه ۱۹۱۹) که ظاهراً به جنگ جهانی اول پایان داد، همچنین پیامدهای بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ و از همه مهم‌تر رقابت سیاسی فاشیسم و دموکراسی‌های غربی و مارکسیسم (عشقی، ۱۳۹۵: ۷).

عملیات‌های دریایی تأثیرگذاری در طول جنگ‌های جهانی اول و دوم به وقوع پیوست که اهم آنها عبارتند از: عملیات دریایی خلیج هلی گولاند ۲۸ اوت ۱۹۱۴م، عملیات دریایی امدن (اوت تا نوامبر ۱۹۱۴م)، عملیات زیردریایی آلمان (اکتبر تا سپتامبر ۱۹۱۴م)، عملیات دریایی جزایر فالکلند در جنوب آرژانتین واقع در اقیانوس اطلس ۸ دسامبر ۱۹۱۴م، عملیات دوگربانک (۲۴ ژانویه ۱۹۱۵م)، عملیات دریایی داردانل و گالیپولی (۱۹ فوریه تا ۱۸ مارس ۱۹۱۵م)، نبرد ژوتلند (۳۱ مه ۱ ژوئن ۱۹۱۶م)، عملیات دیپ، عملیات اورلورد (نرماندی)، عملیات فیلیپین، پرل هاربر، عملیات میدوی، عملیات دریای مرجان (کورال سی)، عملیات اقیانوس اطلس (جنگ زیردریایی) و....

بنابراین با توجه به ضرورت بررسی و مطالعه تاریخی جنگ‌ها و استفاده از نقاط ضعف و قوت بکار رفته در جنگ‌های موصوف، این پژوهش با استفاده از روش مطالعه تطبیقی به منظور مقایسه و احصا نقاط اشتراک و افتراق عملیات‌های دریایی جنگ‌های جهانی اول و دوم صورت گرفته

است. تطبیق و مقایسه به عملی اطلاق می‌شود که در آن دو یا چند پدیده در کنار هم قرار داده شده و به منظور یافتن وجوه اختلاف و تشابه، مورد تحلیل قرار داده می‌شوند (ذاکر صالحی، ۱۳۹۶: ۸۳). عمدتاً به روش تطبیق به مثابه یک عدسی نگریسته می‌شود که می‌توان با آن محیط دور و نزدیک را همزمان مشاهده کرد و مستمراً موقعیت خود را نسبت به دیگران سنجید؛ به هر حال روش مشترک در مطالعات تطبیقی استخراج وجوه اختلاف و تشابه نظام‌های مختلف است. نقطه اشتراک بیشتر روش‌های مطالعه تطبیقی شامل دو گام اصلی است. گام نخست، توصیف پدیده و گام دوم، مقایسه و تطبیق و تدوین تفاوت‌ها و شباهت‌ها (ذاکر صالحی، ۱۳۹۳: ۷۴).

مبانی نظری

بیان مسأله

جنگ‌های جهانی اول و دوم از بزرگترین و خونبارترین جنگ‌های دنیا بوده‌اند. جنگ جهانی اول از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ طول کشید. جنگ جهانی دوم از ۱۹۳۶ آغاز و تا ۶ سال ادامه داشت. این دو جنگ، بزرگترین جنگ‌های نظامی به ثبت رسیده در تاریخ بشریت است. بزرگترین دلایل این جنگ‌ها، تصرف مستعمرات و قلمروهای بیشتر و انگیزه‌های ایدئولوژی بود. با توجه به اینکه اصول جنگ حاصل تجارب جنگ‌هایی است که توسط ملل مختلف از درگیری‌های قومی تا جنگ جهانی با توجه به اختلافات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، عقیدتی و... بوجود آمده است، بررسی و مطالعه تاریخ جنگ‌ها و بهره‌گیری از تجارب به‌کار رفته در آنها نقش بسزایی در تحلیل راهبردهای بکارگیری شده در جنگ‌های یاد شده و تدوین اصول جنگ دارد، لذا احصا موارد تشابه و اختلاف عملیات‌های دریایی جنگ‌های جهانی اول و دوم از دغدغه‌های محققین در این پژوهش می‌باشد که به دنبال پاسخ به سوال اصلی تحقیق «نقاط اشتراک و افتراق عملیات‌های دریایی جنگ‌های جهانی اول و دوم با تأکید بر اصول جنگ چیست؟» می‌باشند تا با پاسخ به این پرسش، تفاوت و تشابهات مولفه‌های اصول جنگ عملیات‌های مهم دریایی دو جنگ جهانی اول و دوم برای مخاطب و پژوهشگران و نیز محققان این موضوع روشن گردد.

هدف تحقیق

تبیین نقاط اشتراک و افتراق عملیات‌های دریایی جنگ‌های جهانی اول و دوم با تأکید بر اصول جنگ.

سوال تحقیق

نقاط اشتراک و افتراق عملیات‌های دریایی جنگ‌های جهانی اول و دوم با تأکید بر اصول جنگ چیست؟

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تاریخی و از نظر روش با رویکرد کیفی و از نوع تطبیقی انجام شده است. بر این اساس، داده‌های پژوهش حاضر به شکل کتابخانه‌ای (فیش‌برداری، جدول، استفاده از داده‌های آماری) و ترکیبی از منابعی چون کتاب، مجلات، فصلنامه‌ها، منابع اینترنتی، آمار، اطلاعات مربوط به سایت‌های داخلی و خارجی به منظور تحلیل عملیات‌های دریایی جنگ‌های جهانی اول و دوم و مقایسه ویژگی‌ها، تفاوت‌ها و شباهت‌ها گردآوری شده است.

جدول (۱) عملیات‌های دریایی منتخب جنگ‌های جهانی اول و دوم

جنگ	نام عملیات دریایی	تاریخ	طرفین جنگ
۱۰ جنگ جهانی اول	عملیات دریایی خلیج هلی گولاند	۲۸ اوت ۱۹۱۴م	ناوگان آلمان و انگلیس
	عملیات دریایی امدن	اوت تا نوامبر ۱۹۱۴م	ناوگان آلمان و انگلیس و استرالیا
	عملیات زیر دریایی آلمان	اکتبر تا سپتامبر ۱۹۱۴م	ناوگان آلمان و انگلیس
	عملیات دریایی جزایر فالکلند	۸ دسامبر ۱۹۱۴م	ناوگان آلمان و انگلیس
	عملیات دوگروبانک	۲۴ ژانویه ۱۹۱۵م	ناوگان آلمان و انگلیس
	عملیات دریایی داردانل و گالیپولی	۱۹ فوریه تا ۱۸ مارس ۱۹۱۵م	انگلیس و فرانسه و عثمانی
	عملیات ژوتلند	۳۱ مه ۱ ژوئن ۱۹۱۶م	ناوگان آلمان و انگلیس

ناوگان متفقین (آمریکا، شوروی، انگلستان و ۲۳ کشور دیگر) و ناوگان متحدین (آلمان، ژاپن و ایتالیا)	اوت ۱۹۴۲	عملیات دیپ
ناوگان متفقین (آمریکا، انگلستان و کانادا) و نیروهای آلمان مستقر در سواحل فرانسه	۶ ژوئن ۱۹۴۴ م	عملیات اورلورد (نرماندی)
ناوگان آمریکا و ژاپن	۲۳ اکتبر ۱۹۴۴ م	نبرد فیلیپین
ناوگان آمریکا و ژاپن	هفتم دسامبر ۱۹۴۱	پرل هاربر
ناوگان آمریکا و ژاپن	۴ ژوئن ۱۹۴۲ م	عملیات میدوی
ناوگان آمریکا و انگلیس و ژاپن	می ۱۹۴۲	عملیات دریای مرجان (کورال سی)
ناوگان آلمان و انگلیس	مارس ۱۹۴۳	عملیات اقیانوس اطلس (جنگ زیردریایی)

جدول دوم

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

مطالعه تطبیقی

تطبیق و مقایسه به عملی اطلاق می‌شود که در آن دو یا چند پدیده در کنار هم قرار داده شده و به منظور یافتن وجوه اختلاف و تشابه، مورد تحلیل قرار داده می‌شوند (ذاکر صالحی، ۱۳۹۶: ۸۳). عمدتاً به روش تطبیق به مثابه یک عدسی نگریسته می‌شود که می‌توان با آن محیط دور و نزدیک را همزمان مشاهده کرد و مستمراً موقعیت خود را نسبت به دیگران سنجید؛ روش مشترک در مطالعات تطبیقی شامل دو گام اصلی است. گام نخست، توصیف پدیده و گام دوم، مقایسه و تطبیق و تدوین تفاوت‌ها و شباهت‌ها (ذاکر صالحی، ۱۳۹۳: ۷۴).

جنگ

فرهنگ روابط بین‌الملل جنگ را چنین تعریف می‌کند: جنگ عبارتست از: اقدام‌های خصمانه بین کشورها یا در داخل یک کشور یا سرزمین که توسط نیروهای مسلح اجرا می‌گردد. (Jack 187: c.plano, Roy olton, 1982) سطح این خصومت‌ها ممکن است از جنگ کلی یا تمام عیار که در آن از جنگ‌افزارهای هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی کشتار جمعی استفاده می‌گردد، تا جنگ محدود که در آن جنگ‌افزارهای متعارف بکار برد، تعبیر نمود. کلانزویتس جنگ را چنین تعریف می‌کند: «جنگ ادامه سیاست است، اما به طریق دیگر». او جنگ را عمل خشونت‌باری می‌داند به قصد اینکه دشمن وادار شود به اراده ما گردن نهد (Clausewitz, 1983: 119).

اصول جنگ^۱

عبارت است از یک تعداد قواعد کلی که هدایت جنگ را به عهده دارد. اصول جنگ حقایق مسلمی هستند که حاکم بر میدان نبرد بوده و کاربرد به موقع و مؤثر آنها در به دست آوردن موفقیت و پیروزی اثر قاطع دارد. این اصول مورد قبول فرماندهان نظامی بوده و صحت و تطبیق این اصول با اشکال مختلف نبرد مورد تصدیق و تائید آنها قرار گرفته است. (بی‌نا، ۱۳۸۰: ۲) اصول جنگ متداول در ارتش‌های جهان، حاصل تجربیات نیروهای نظامی در جنگ جهانی دوم و اقدامات نظامی پس از آن و در فضایی که در آن، طرف‌های درگیر جنگ از یک هم‌ترازی نسبی برخوردار بودند، می‌باشد و علیرغم اشتراکات فراوان، هر کشوری متناسب با شرایط اختصاصی خود تغییراتی را در تعداد این اصول لحاظ نموده است و به همین علت، تعداد اصول جنگ در کشورهای مختلف، متفاوت است. اصول جنگ مجموعه‌ای از ملاحظات مجرد، قواعد مسلم و مبانی اساسی در طرح‌ریزی، هدایت و اجرای عملیات نظامی است که از عصاره تجربارب جنگی ملل مختلف در طول تاریخ به دست آمده‌اند. اصول جنگ بر جریان جنگ حاکم می‌باشند و به‌کارگیری صحیح و به جای آنها امکان موفقیت در نبرد را افزایش می‌دهد. (دانش آشتیانی، ۱۳۸۳: ۴۷)

اصول نه‌گانه جنگ به شرح ذیل می‌باشد:

¹ Principal of War

اصل هدف^۱

این اصل تقریباً مورد قبول همه ارتش‌های جهان قرار گرفته است و به احتمال زیاد تعداد کمی که آن را در فهرست خود نام نبرده‌اند، این اصل را آن‌قدر مسلم دانسته‌اند که لزومی به بیان آن ندیده‌اند. اصل هدف بر این مهم تأکید می‌ورزد که عملیات نظامی باید دارای مقصدی روشن، قطعی و قابل دستیابی باشد و همه تلاش‌ها به سوی آن متمرکز گردد. هدف هر عملیات نظامی باید چنان تعیین شود که در رسیدن به هدف نهایی نیروهای مسلح کمک کند. یگان‌های نظامی باید در طول عملیات خود همواره هدف تعیین شده را دنبال کنند و از هرگونه انحرافی که مانع رسیدن به هدف شود خودداری ورزند. مسلماً در سطوح مختلف، نوع هدف نیز متفاوت خواهد بود. چنانچه در سطح ملی ممکن است، هدف سیاسی باشد و هدف نظامی در پشتیبانی از آن تعیین گردد و در این صورت هدف نظامی خود وسیله‌ای برای رسیدن به منظور و مقصود سیاسی خواهد بود. به طور خلاصه اصل هدف یعنی هدایت هر گونه عملیات نظامی به سمت هدفی روشن، قطعی، قابل دسترسی و در اکثر موارد قابل نگهداری.

اصل آفند^۲

هیچ اندیشمند نظامی را نمی‌توان نام برد که منکر این واقعیت باشد که آفند برای کسب پیروزی، لازم و ضروری نیست. به‌طور کلی عقیده بر این است که در جنگ، هیچ دشمنی را نمی‌توان بدون اجرای عمل آفندی شکست داد. نکته مهم و قابل توجه این است که موفق‌ترین عمل پدافندی در طول تاریخ هرگز به تنهایی بدست نیامده بلکه این پیروزی متعاقب یک آفند موثر علیه دشمن حاصل شده است. در آفند می‌دانیم که چه می‌خواهیم، در حالی که در پدافند، در وضعیتی تقریباً نامعلوم و مبهم قرار گرفته‌ایم، به عبارت دیگر آفند به فرمانده این اجازه را می‌دهد که ابتکار عمل را بدست گرفته و اراده خود را بر دشمن تحمیل نماید. به دنبال آفند، نتایج قطعی و حفظ آزادی عمل به دست می‌آید.

اصل آفند یعنی موثرترین و قطعی‌ترین عمل آفندی برای دستیابی به هدف و کسب و حفظ ابتکار عمل و بهره‌برداری از آن.

^۱ Objective

^۲ Offensive

اصل تمرکز قوا^۱

برای کسب پیروزی قطعی لازم است که در زمان و مکان حساس چنان ضربتی محکم و موثر بر دشمن وارد شود که نتواند به آسانی آن را جبران کند و در نتیجه از پای درآید. این امر مستلزم متمرکز نمودن توان رزمی برتر نسبت به دشمن است. برتری قطعی، تنها از طریق کمی ایجاد نمی‌شود، بلکه با ترکیب مناسبی از کلیه عناصر توان رزمی، همراه با بکارگیری مدبرانه همه چشمگیر دست یافت. بطور خلاصه منظور از اصل تمرکز، متمرکز کردن نیرو علیه نقطه ضعف دشمن و بر هم زدن تعادل او از طریق ضربه‌زدن به مرکز ثقل او است.

اصل صرفه جویی در قوا^۲

با توجه به این واقعیت که نیروها و امکانات در اختیار یک فرمانده در اجرای مأموریتی معین، محدود است و حتی در سطوح بالاتر منابع ملی نیز محدودیت‌هایی دارد، لذا فرمانده باید همواره در نظر داشته باشد که به منظور ایجاد برتری توان رزمی و تمرکز نیرو نسبت به دشمن در مناطقی غیر از تلاش اصلی، از حداقل نیرو و توان ممکن که مأموریت یگان را به خطر بیندازد استفاده کند. بنابراین، توزیع مناسب توان رزمی با در نظر گرفتن نیاز عملیاتی، یعنی واگذاری بیشترین توان رزمی ممکن به تلاش اصلی و واگذاری کمترین توان ممکن به تلاش پشتیبانی و سایر مناطق که برای اجرای مأموریت کافی باشد، در کسب پیروزی نقش عمده‌ای خواهد داشت.

اصل مانور^۳

اصل مانور، یعنی جابه‌جایی و یا حرکت به منظور قراردادن گشتی، عده‌ها و یا آتش‌ها در وضعیتی برتر و مطلوب‌تر نسبت به دشمن. با توجه به این مفهوم، مانور در استفاده از موقعیت‌ها و در حفظ آزادی عمل و کاهش آسیب‌پذیری نقش حساس به عهده دارد. هدف اصلی مانور قراردادن نیروها به حالتی است که دشمن را به طور نسبی در وضعیتی نامطلوب و نامساعد قرار دهد و در نتیجه نسبت به هر حالت دیگری تلفات و ضایعات کمتری به نیروهای

¹ Mass

² Economy of Force

³ Maneuver

خودی وارد گردد. یک مانور موفقیت‌آمیز مستلزم قابلیت انعطاف در سازمان، پشتیبانی خدمات رزمی و فرماندهی و کنترل مناسب است.

مانور، در بعد راهبردی عبارتست از جابجایی، حرکت و ایجاد تغییر و تحول حساب شده در منابع قدرت ملی به منظور دستیابی به وضعیت راهبردی برتر نسبت به دشمن.

اصل وحدت فرماندهی^۱

از وحدت فرماندهی دو منظور کلی استنباط می‌شود، یکی همکاری و تعاون کلیه نیروها و وحدت تلاش هماهنگ شده آنان به سوی هدفی مشترک و دیگری این که در هر سطح یا رده فرماندهی فقط یک فرمانده با اختیار لازم منصوب گردد.

به عبارت دیگر، در سلسله مراتب فرماندهی، همه نیروها تحت امر یک فرمانده مسئول و واجد شرایط، با اختیارات کافی قرار گیرند تا وی بتواند در راستای خط مشی کلی با ایجاد وحدت تلاش کلیه منابع و نیروها را در یک جهت و به سوی هدف مشترک سوق دهد.

اصل تأمین^۲

تأمین در عملیات نظامی مفهوم وسیعی دارد و روی هم‌رفته در حفظ توان رزمی بسیار ضروری است. تأمین نتیجه اقدام‌هایی است که یگان در حفظ و نگهداری خود از جاسوسی، دیده‌بانی، دستبرد، خرابکاری دشمن و بطور کلی جلوگیری از غافل‌گیر شدن انجام می‌دهد. تأمین، یگان نظامی را در مقابل عمل و نفوذ دشمن مصون می‌گرداند. جلوگیری از دسترسی دشمن به طرح‌ها، اختراعات و فن‌آوری‌های نظامی و حفظ افراد در برابر آتش‌ها و دیگر آسیب‌های غیر ضروری، از اقدام‌های تأمینی به شمار می‌آیند. به عبارت دیگر رعایت اصل تأمین باعث کاهش آسیب‌پذیری در مقابل اقدامات نفوذی و هر نوع عملیات غافل‌گیرانه دشمن می‌گردد و سبب کسب و حفظ آزادی عمل می‌شود.

اصل غافل‌گیری^۳

منظور از این اصل ضربه زدن به دشمن در زمان و مکان و حالتی است که انتظار آن را نداشته، یا آمادگی کافی را برای آن نداشته باشد. شاید نتوان این ضربه را طوری وارد کرد که دشمن

^۱ Unity of Command

^۲ Security

^۳ Surprise

هرگز نتواند از آن آگاهی یابد، اما نکته مهم این است که دشمن آن قدر دیر مطلع شود که نتواند بطور مؤثر واکنش نشان دهد. عواملی که معمولا به غافل‌گیری کمک می‌کنند سرعت، پوشش و اختفا اطلاعات و ضد اطلاعات مؤثر و تغییر در تاکتیک‌ها و روش‌های عملیاتی و به کارگیری جنگ‌افزارهای نوین در صحنه جنگ است. برای دسترسی به اصل غافل‌گیری باید فرصت واکنش را از دشمن گرفت.

اصل سادگی^۱

منظور از اصل سادگی این است که طرح‌ها و دستورهای نظامی قابل فهم بوده، هیچ‌گونه ابهامی برای اجراکنندگان دستور ایجاد نکند. سادگی دستورات به موفقیت عملیات یاری می‌رساند. طرح‌های صریح و ساده و دستورات روشن و مختصر از سوء تفاهم و سردرگمی جلوگیری می‌کنند (جمالی و رستمی، ۱۳۸۱: ۲۸-۲۵).

جنگ جهانی اول^۲

جنگ جهانی اول از مهم‌ترین اتفاقات تاریخ بشر است و به طور مستقیم و غیر مستقیم نقش بزرگی در تعیین تاریخ قرن بیستم داشته‌است. این جنگ از ماه اوت ۱۹۱۴ تا نوامبر ۱۹۱۸ رخ داد. دلیل وقوع جنگ عبارت بود از: رقابت اتریش و روسیه در بالکان، اختلاف بین فرانسه و آلمان از سال ۱۸۷۰ درباره آلتاس ولرن و رقابت اقتصادی و دریایی بین آلمان و انگلیس؛ اما بهانه شروع جنگ قتل ولیعهد امپراتوری اتریش - مجارستان در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ در سارایوو بود. در آن جنگ بدون هیچ زمینه کشمکش، سربازان بسیاری برای جنگ تجهیز شدند و مناطق بسیاری درگیر جنگ شدند. پیش از این، هیچ وقت تلفات جنگی به این اندازه زیاد نبود. سلاح‌های شیمیایی برای نخستین بار در این جنگ استفاده شدند، برای نخستین بار، به طور انبوه مناطق غیرنظامی از آسمان بمباران شدند و نیز برای نخستین بار در این سده کشتار غیرنظامیان در سطحی گسترده در طول جنگ رخ داد. این جنگ بخاطر شیوه جنگی "سنگری" نیز معروف است.

جنگ عظیمی در اروپا بین آلمان، رهبر دول محور، و نیروهای متفقین به رهبری فرانسه و بریتانیا درگرفت. دول محور که عبارت بودند از امپراتوری آلمان به رهبری «قیصر ویلیام دوم»

¹ Simplicity

² World War I

(۱۹۴۱ - ۱۸۵۹م)، و امپراتوری اتریش - مجارستان، بلغارستان و امپراتوری عثمانی نیز به نفع آنها می‌جنگیدند. آلمان تا آن زمان قوی‌ترین قدرت نظامی جنگ محسوب می‌شد. تا مدت‌ها هیچ‌یک از دو طرف نتوانستند به پیروزی کامل دست یابند و جنگ تا چهار سال بطول انجامید. پیش از پیروزی متفقین حدود ۱۰ میلیون نفر کشته شدند. پس از پایان این جنگ در سال ۱۹۱۹ و در کنفرانسی در پاریس «معاهده ورسای» امضا شد و غرامت‌های بسیار سنگینی بر بازندگان جنگ تحمیل شد.

این جنگ پایانی بر نظام‌های سلطنت مطلقه در اروپا را به همراه آورد و باعث انقراض چهار امپراتوری اتریش - مجارستان، آلمان و عثمانی و روسیه تزاری و سلسله‌های هوهنزولرن، هابسبورگ، عثمانی و رمانوف شد. همه این امپراتوری‌ها از زمان جنگ‌های صلیبی بر سر قدرت بودند. همچنین کاتالیزوری برای انقلاب روسیه بود که بعدها جهان را تحت تأثیر قرار داد و از چین تا کوبا انقلاب‌های کمونیستی را دامن زد و از طرفی زمینه تبدیل روسیه به یک ابرقدرت جهانی و آغاز جنگ سرد با آمریکا را دربر داشت. در شرق نیز نابودی امپراتوری عثمانی باعث پیدایش دولت دموکراتیک، سکولار و مدرن جدیدی به نام «ترکیه» شد. در اروپای مرکزی دول جدیدی همچون چکسلواکی و یوگسلاوی زاده شدند و دولت لهستان مجدداً شکل گرفت (تیلور، ۲۰۰۹: ۱۳-۱۰).

عملیات‌های دریایی جنگ جهانی اول

ناوگان بزرگ انگلستان در پایگاه‌های خود در «اسکاپافلو»^۱ و «روسیت»^۲ واقع در دریای شمال، ناوگان پهنه دریاهای آلمان را در پشت سواحل بسیار مستحکم «هلی‌گولند-یاد»^۳ کنترل کرد. به محض شروع جنگ، کشور بی‌طرف دانمارک با مین‌گذاری «اسکاژراک»^۴ راه ورود و خروج به دریای «بالتیک» را برای دو طرف درگیر مسدود کرد. اما آلمانی‌ها از امتیاز خاصی برخوردار بودند و آن کانال «کیل»^۵ بود. آنها می‌توانستند کشتی‌های خود را از راه این کانال بین دریای بالتیک و دریای شمال نقل مکان دهند. با شروع جنگ، تعداد ۱۰ کشتی جنگی بزرگ آلمان در

^۱ Scapa Flow

^۲ Rosyth

^۳ Heligoland-Yade

^۴ Skagerrak

^۵ Kiel

دریاها و بنادر مستعمراتی آن مستقر بودند. در اوت ۱۹۱۴م تعداد ۶ کشتی انگلیسی و ۴ کشتی از استرالیا و زلاندنو برای تصرف پایگاه‌های دریایی آلمانی‌ها به حرکت درآمدند. «توگولند»^۱ «کامرون»^۲ جنوب غربی افریقا، «ساموا»^۳ و تعدادی از بنادر اقیانوس کبیر در اواخر ۱۹۱۴م و اوایل ۱۹۱۵م از آلمانی‌ها گرفته شد. اما در آفریقای شرقی آلمان، ژنرال «پل فن لیتور-فربک»^۴ پیاده شدن انگلیسی‌ها را در ۳ تا ۴ نوامبر ۱۹۱۴م. در «تانگا» دفع نمود و عملیات حیرت‌آوری را به مدت ۴ سال اجرا کرد. به جزء نمونه‌ای از رهبری و روحیه سرکش و تسخیرناپذیر، عملیات «فوریک» اهمیت چندانی در جنگ نداشت. با ورود ژاپن به جنگ در ۲۳ اوت ۱۹۱۴م، به طرفداری از دولت‌های متفق، این کشور «تسینگ تائو»^۵ تنها پایگاه دریایی آلمان در چین را محاصره و در ۷ نوامبر آن را تصرف کرد. ژاپن همچنین گروه جزایر چهارگانه آلمان به نام «مارشال»، «ماریانا»^۶، «پالائو»^۷ و «کارولین»^۸ واقع در اقیانوس کبیر را تصرف کرد. بدین ترتیب ۱۰ رزم‌ناو آلمانی در دریاها پراکنده شدند. آنها ضمن محروم بودن از پایگاه‌های خود به این سو و آن سو دریاها رفته و با ضربت و فرار به نحو بسیار جسورانه و باشکوه سرانجام غرق و یا محاصره گردیدند. عملیات جنگی ناوگان پهنه دریاها در آلمان محدود به تاخت‌های رزم‌ناوها، مین‌گذاری و جنگ زیر دریایی بود.

عملیات دریایی خلیج هلی گولاند ۲۸ اوت ۱۹۱۴م

ناوگان بزرگ انگلستان در پایگاه‌های خود واقع در دریای شمال، ناوگان پهنه دریاهای آلمان را در پشت سواحل بسیار مستحکم «هلی گولند» کنترل کرد. به محض شروع جنگ، کشور بی‌طرف دانمارک با مین‌گذاری راه ورود و خروج به دریای بالتیک را برای دو طرف درگیر مسدود کرد. اما آلمانی‌ها از امتیاز خاصی برخوردار بودند و آن کانال کیل بود. آنها می‌توانستند کشتی‌های خود را از راه این کانال بین دریای بالتیک و دریای شمال نقل مکان دهند. با شروع جنگ، تعداد ۱۰ کشتی جنگی بزرگ آلمان در دریاها و بنادر مستعمراتی آن مستقر بودند. در

¹ Togoland

² Cameroon

³ Samoa

⁴ Paul Von Lettow- Vorbeck

⁵ Tsyngtao

⁶ Mariana

⁷ Palau

⁸ Caroline

اوت ۱۹۱۴م تعداد ۶ کشتی انگلیسی و ۴ کشتی از استرالیا و زلاندنو برای تصرف پایگاه‌های دریایی آلمانی‌ها به حرکت در آمدند. «توگولند»، «کامرون»، «جنوب غربی افریقا» و تعدادی از بنادر اقیانوس کبیر در اواخر ۱۹۱۴م و اوایل ۱۹۱۵م از آلمانی‌ها گرفته شد. بدین ترتیب ۱۰ رزمناو آلمانی در دریاها پراکنده شدند. آنها ضمن محروم بودن از پایگاه‌های خود به این سو و آن سوی دریاها رفته و با ضربت و فرار به نحو بسیار جسورانه و باشکوه سرانجام غرق و یا محاصره گردیدند. عملیات جنگی ناوگان پهنه دریاها در آلمان محدود به تاخت‌های رزمناوها، مین‌گذاری و جنگ زیردریایی بود.

اولین عملیات دریایی در جنگ جهانی اول بود که بین آلمان و انگلیس روی داد. در این عملیات دریایی، انگلیسی‌ها با اجرای یک تاخت دریایی به آب‌های آلمان موفق شدند که ۳ رزمناو سبک و یک ناوشکن آلمانی را غرق نمایند. تلفات آلمانی‌ها ۱/۰۰۰ نفر کشته و زخمی بود در حالی که تلفات انگلیسی‌ها ۳۳ نفر بود و هیچ ناو خود را نیز از دست ندادند.

دریانوردی (عملیات دریایی) آمدن (اوت تا نوامبر ۱۹۱۴م.)

پس از ورود ژاپن به جنگ در اوت ۱۹۱۴م. و تصرف «تسینگ تائو» پایگاه آلمان در چین، دریاسالار آلمانی «فن اشپه»^۱ ناچار راه آمریکای جنوبی را در پیش گرفت. او در بین راه رزمناو «آمدن» را از خود جدا کرد و آن را تحت فرماندهی ناخدا «کارل فن مولر»^۲ به مأموریت در اقیانوس هند اعزام نمود و همزمان رزمناوی را که در مغرب هندوستان بود جزو کاروان دریایی خود درآورد. رزمناو «آمدن» توانست کشتیرانی انگلیسی‌ها را در اقیانوس هند مختل نموده و با انهدام کشتی‌ها و غنائم جنگی بسیار از جمله غنائم دریایی، ۲۱ کشتی ضبط و توقیف محموله آنها، میلیون‌ها دلار خسارت به دشمن وارد نماید. «آمدن» در ۲۲ سپتامبر «مدرس»^۳ را بمباران کرد. پایان باشکوه این رزمناو آلمانی، «گرگ تنها» و ناخدای دلیر آن در ۹ نوامبر فرارسید. در این روز طی عملیات سخت دریایی با رزمناو استرالیایی «سیدنی»^۴ در جزایر «کوکوس»^۵ غرق گردید. از ۳۲۳ نفر ملوان شجاعی که در این رزمناو بودند ۱۴۱ نفر

^۱ Von Spee

^۲ Karl Von Muller

^۳ Madras

^۴ Sideny

^۵ Cocos

غرق گردیدند و بقیه رهائی یافتند. در تاریخ جنگ‌های جدید دریایی کمتر رزم‌ناوی سابقه درخشان «امدن» را دارا بوده است.

عملیات زیردریایی آلمان (اکتبر تا سپتامبر ۱۹۱۴م.)

در ۲۳ سپتامبر یک زیردریایی آلمانی به تنهایی توانست دور از سواحل کشور خود ۳ رزم‌ناو انگلیسی «ابوقیر»^۱ «هوک»^۲ و «کریسکی»^۳ را یکی بعد از دیگری غرق کند و ۱۴۰۰ خدمه آن را به قعر دریا بفرستد. در ۱۸ اکتبر نیز آلمانی‌ها مبادرت به تاخت در «اسکاپا-فلاو»^۴ کردند لیکن نتیجه بخش نبود. در ۱۵ اکتبر رزم‌ناو «هاوک»^۵ مورد اصابت اژدرهای آلمانی قرار گرفت و غرق شد. در ۲۷ اکتبر یک ناو انگلیسی در اثر برخورد با مین‌هایی که آلمانی‌ها در سواحل ایرلند کارگذارده بودند، غرق شد.

عملیات دریایی جزایر فالکلند^۶ در جنوب آرژانتین واقع در اقیانوس اطلس: (۸ دسامبر ۱۹۱۴م.)

این نبرد دریایی که به شکست آلمانی‌ها منجر گردید، یکی از قطعی‌ترین شکست‌ها در تاریخ جنگ دریایی است. در این عملیات، دریاسالار «فن اشپه» و ۲۳۰۰ آلمانی کشته شدند. از ۵ رزم‌ناو آلمانی، ۴ ناو غرق و تنها یک ناو بنام «درسدن»^۷ موفق به فرار گردید و آن هم بعداً در مارس ۱۹۱۵م. غرق شد. تلفات انگلیسی‌ها تنها ۱۰ کشته و ۵۰ مجروح بود.

عملیات دوگربانگ^۸ (۲۴ ژانویه ۱۹۱۵م.)

در ۲۳ ژانویه گروه، رزم‌ناو جنگی آلمان تحت فرماندهی دریابان «فرانتز فن هیپر»^۹ به منظور تاخت به سواحل انگلستان و ایداء و ستوه کشتی‌های ماهی‌گیری از پایگاه خود به حرکت درآمدند. انگلیسی‌ها که از طریق استراق سمع به حرکت این ناوگروه پی برده بودند، ناوگان بزرگ را مأمور به مقابله نمودند. ناوگروه جنگی دریاسالار انگلیسی «دیوید بیتی»^{۱۰} در خارج از «دوگربانگ» بین راه انگلستان و آلمان با «هیپر» مواجه گردید. «بیتی» ۵ کشتی و «هیپر» ۳ کشتی

¹ Aboukir

² Hogue

³ Cressy

⁴ Scapa flow

⁵ Hawk

⁶ Falkland

⁷ Dresden

⁸ Dogger

⁹ Franz Von Hipper

¹⁰ David Beatty

جنگی داشت که هر دوی آنان توسط رزم‌ناو و ناوشکن‌ها همراهی می‌شدند. در چنین موقعیتی «هیپر» عاقلانه عمل کرد و به سوی پایگاه خود در جزایر مستحکم «هلی گولند» فرار کرد. در تعاقب آلمانی‌ها رزم‌ناوهای انگلیسی موفق شدند ناو آلمانی «بلوخر» را غرق کنند و یک ناو دیگر را نیز از کار بیندازند، در حالی که ناو فرماندهی «هیپر» بنام «شیر» نیز صدمه دید. پس از عملیات «دوگربانگ» به دستور قیصر آلمان، از خطر کردن و اجرای عملیاتی مشابه در آینده خودداری گردید.

عملیات دریایی داردانل و گالیپولی (۱۹ فوریه تا ۱۸ مارس ۱۹۱۵ م.)

در آخرین روز دسامبر ۱۹۱۴م انگلیس طرحی برای منحرف کردن ترک‌ها در شرق مدیترانه تهیه کرد. به نظر انگلیس کمک به روسیه از ضربه وارد کردن محض در جبهه غرب سودمندتر بود. علاوه بر این، به عنوان حاکم پیشین مصر، نگران حمله احتمالی ترک‌ها به کانال سوئز بود. اینجا برای عمل جاه‌طلبانه بزرگی فرصت مناسبی پیش آمده بود تا انگلیسی‌ها سلطه خود را بر دریاها بکار گیرند. چرچیل و کیچنر متفقاً برای حمله بر داردانل اصرار می‌کردند. فیشر، لرد اول دریاداری، نیز تمایلی به جبهه غرب نداشت، هر چند آرزوی شخصی وی این بود که به قصد شلسویک دست به سفر جنگی بزند. (تیلور، ۲۰۰۹: ۸۲)

تک دریایی بدون نتیجه انگلیسی‌ها، با کمک فرانسه برای در دست گرفتن تنگه داردانل و استانبول اجرا گردید. در این عملیات دریایی، انگلستان بی آنکه با مقاومت روبرو شود توانست از داردانل بگذرد، اما در بازگشت به رشته‌ای از مین برخورد، که به موازات ساحل کار گذاشته بودند، به نحوی که مین جمع‌کن‌ها متوجه آن‌ها نشدند. انگلیس ۳ ناو سنگین و تعدادی ناوهای کوچکتر خود را از دست داد. در حالی که ۳ ناو بزرگ آنها نیز از کار افتاد. انگلستان ناچار عقب‌نشینی کرد. این شکست منجر به عملیات «گالیپولی»^۱ (عملیات آبخاکی) گردید. چرچیل که در آن زمان فرمانده نیروی دریایی انگلیس بود، هر دو عملیات را طراحی نموده بود که در آن متفقیین شدیداً شکست خوردند.

جبهه متفقیین با حضور کشورهای نظیر انگلستان، استرالیا، فرانسه و نیوزیلند تشکیل می‌شد. در مقابل متحدین قرار داشتند که از امپراتوری عثمانی بعنوان نیروی اصلی و آلمان و همچنین

^۱ Gallipoli

امپراتوری اتریش - مجارستان تشکیل شده بود. مصطفی کمال پاشا که بعدها رهبر ترکیه شد و امروز با نام آتاتورک شناخته می‌شود، یکی از فرماندهان متحدین در این جنگ‌ها بود.

عملیات ژولند^۱ (۳۱ مه ۱ ژوئن ۱۹۱۶م)

«ناوگان پهنه دریاها» به فرماندهی دریابان «راینهاردشیر»^۲ در ۳۰مه، در تعقیب کشتی‌های انگلیس از طریق «اسکاژراک» وارد دریای شمال شد. در جلو و پیشاپیش آن، ناوگان دیده‌ور و اکتشافی به فرماندهی «فن هیپر» حرکت می‌نمود که متشکل از ۴۰ ناو تندرو بود که هسته مرکزی آن را ۵ رزم‌ناو جنگی تشکیل می‌داد. درست پشت سر «هیپر»، ناوگان پهنه دریاها حرکت می‌نمود. متشکل از ۵۹ کشتی که ۱۶ فروند آن «دردناوت» و ۶ فروند دیگر نیز نبرد ناوهای قدیمی‌تر بودند. «ناوگان بزرگ» به فرماندهی دریاسالار «جان جلیکو»^۳ که از حرکت ناوگان پهنه دریا به دریای شمال آگاهی یافته بود، فوراً به سوی ناوگان آلمانی‌ها به حرکت درآمد. (در واقع فرار کشتی‌های انگلیسی و تعقیب آنها توسط آلمانی‌ها دامی بود که انگلیسی‌ها بر سر راه نیروی دریایی آلمان گسترده بودند). پیشاپیش «جلیکو»، نیروهای دیده‌وری و اکتشافی به فرماندهی دریاسالار «بیتی»^۴ حرکت می‌کرد، شامل ۵۲ کشتی که ۶ رزم‌ناو جنگی و ۴ «دردناوت» آن وابسته به ناوگروه دریاسالار «ایوان توماس»^۵ بود.

متعاقب «بیتی»، ناوگان اصلی - «جلیکو» - متشکل از ۹۹ ناو، که ۲۴ فروند آن «دردناوت» بودند. روی هم رفته انگلیسی‌ها ۳۷ کشتی بزرگ در دریا داشتند: ۲۸ «دردناوت» و ۹ رزم‌ناو جنگی، در مقابل آلمانی‌ها ۲۷ کشتی بزرگ: ۱۶ «دردناوت»، ۶ نبرد ناو قدیمی و ۵ رزم‌ناو جنگی. در این عملیات دریایی، انگلیسی‌ها ۳ رزم‌ناو جنگی، ۳ رزم‌ناو و ۸ ناوشکن خود را از دست دادند و متحمل ۶۷۸۴ نفر تلفات گردیدند. آلمانی‌ها نیز ۱ نبردناو قدیمی، ۱ رزم‌ناو جنگی، ۴ رزم‌ناو سبک و ۵ ناوشکن خود را از دست دادند و متحمل ۳۰۳۹ نفر تلفات گردیدند.

این جنگ آخرین عملیات دریایی بزرگ بود که طرف‌های درگیر در معرض دید یکدیگر ضربات سنگینی به هم زدند. این عملیات هیچ‌گونه تغییری در وضعیت استراتژیک ایجاد نکرد،

¹ Gutland

² Reinhard Scheer

³ John Jellicoe

⁴ Beatty

⁵ Evan Thomas

مگر این‌که آلمانی‌ها فهمیدند که آن‌ها شانس برای شکست‌دادن «ناوگان بزرگ» ندارند. در این جنگ هر دو طرف بارشادت و دلاوری جنگیدند و فرماندهان آنها نیز بسیار جسور و گستاخ بودند.

جنگ جهانی دوم^۱

جنگ جهانی دوم یکی از بزرگ‌ترین و پرتلفات‌ترین جنگ‌ها در تاریخ جهان است. آلمان در اول سپتامبر ۱۹۳۹ به لهستان حمله کرد؛ این تاریخ متداول آغاز جنگ جهانی دوم در غرب است. منابع دیگر حمله ژاپن به چین را در ۷ ژوئیه ۱۹۳۷ آغاز جنگ می‌دانند و همچنین حمله ژاپن به منچوری را در ۱۹۳۱ نیز در این میان ذکر کرده است. این جنگ علاوه بر اروپا در بخش‌های گسترده‌ای از قاره آسیا و آفریقا تأثیرات مخرب عمده‌ای برجای گذاشت.

علل اصلی جنگ جهانی دوم عبارت بود از اشتباهات عهدنامه ورسای (۱۹۱۹) که ظاهراً به جنگ جهانی اول پایان داد، همچنین پیامدهای بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ و از همه مهم‌تر رقابت سیاسی فاشیسم و دموکراسی‌های غربی و مارکسیسم. عامل اخیر چنان مؤثر بود که جنگ میان کشورهای درگیر، به شکل بی‌سابقه‌ای، عموم مردم را به قلمرو جنگ کشاند، به طوری که در پایان جنگ تعداد کشته شدگان نظامی و غیرنظامی تقریباً با هم برابری می‌کرد. این جنگ، که در محدوده اروپا، منطقه پاسیفیک (اقیانوس آرام)، جنوب شرق آسیا، خاورمیانه، منطقه مدیترانه و آفریقا بین دو بلوک متحدین (آلمان و ایتالیا و ژاپن) و متفقین (انگلیس و فرانسه و آمریکا و شوروی) درگرفت، به لحاظ گستردگی جغرافیایی و قدرت تخریب منابع انسانی و طبیعی بی‌همتا بوده است (تیلور، ۲۰۰۹: ۸-۵).

عملیات‌های دریایی جنگ جهانی دوم

عملیات دیپ^۲

در دسامبر ۱۹۴۱م. درست در بحبوحه نبردهای مسکو و اقیانوس آرام، چرچیل و روزولت در واشنگتن دیدار کردند و قرار شد تا آمریکا به طور مستقیم وارد جنگ شود. به خاطر درگیری انگلیس در مدیترانه و اقیانوس اطلس بخش اصلی عملیات در اقیانوس آرام به آمریکا داده شود. همچنین با تأسیس کمیته نظامی مشترک به عنوان بالاترین بخش نظامی مشترک دو کشور

¹ World War II

² Operation jubilee was a raid Dieppe, France on 19 August 1942

موافقت شد در اول ژانویه ۱۹۴۲ آمریکا، شوروی، انگلستان و ۲۳ کشور دیگر، به طور رسمی به نیروهای متحدین (آلمان، ژاپن و ایتالیا) اعلام جنگ نمایند. به همین منظور عملیات دیپ در اوت ۱۹۴۲ اجرا شد اما نتیجه فاجعه بار بود. از بین ۷۰۰۰ کماندو و چتر باز بسیاری از آنان که بیشتر کانادایی بودند کشته شدند و این عملیات که برای محک زدن توان آلمان در ساحل فرانسه به وقوع پیوسته بود نشان داد برای شکستن دفاع آلمان در غرب به نیروی زیادی نیاز است.

اهداف عملیات دیپ

- کمک به شوروی در رویارویی با نازی‌ها در جبهه شرق اروپا
 - پاسخ به افکار عمومی مردم دولت‌های متفقین
 - تصرف بندری جهت پیاده کردن تجهیزات، برای عملیات آتی در اروپا
 - به دست آوردن مدارک و اطلاعات نظامی مربوط به کدهای ارتباطی آلمان‌ها و رادار موجود در نزدیکی دیپ
 - به دست آوردن تجربه عملیات آبخاکی
 - آزمایش شناورهای مخصوص حمل تانک
 - تمرین و آزمایش کیفیت تجهیزات جدید، ارتباط و زنجیره فرماندهی
- یورش به دیپ بزرگترین عملیات مختلطی بود که از ابتدای جنگ تا آن زمان انجام گرفته بود. این عملیات یک هجوم آبخاکی بود که باید توسط جنگنده‌هایی که از فرودگاه‌های بریتانیا برخاسته بودند پشتیبانی می‌شد. نقشه این نبود که نیروهای متفقین در صورت کامیابی در دیپ برای همیشه باقی بمانند. قرار بود تا حمله‌ای انجام شود، خطوط دفاعی آلمان در ناحیه دیپ تخریب شوند و سپس عقب‌نشینی انجام شود. تمام این‌ها باید در ۹ ساعت - زمانی که جزر و مد اجازه می‌داد تا کشتی‌ها به خطوط ساحلی نزدیک شوند - انجام می‌پذیرفت. چنین تهاجمی به نقشه‌ای عالی و عنصر غافل‌گیری نیاز داشت تا به موفقیت می‌انجامید.
- دیپ، که آلمانی‌ها به صورتی واقع‌گرایانه ارزش آن را به عنوان یک بندر می‌دانستند - به خوبی دفاع می‌شد. طول ناحیه ساحلی حدود ۱۵۰۰ متر بود و دو دماغه در دو سوی ساحل وجود داشت. رمز دماغه شرقی "هس" و دماغه غربی "گوبلز" بود. هس دارای استحکاماتی سنگین بود و تونل‌هایی در آن کنده بودند که یک حمله هوایی را بی‌اثر می‌ساخت. بزرگترین

مشکلی که هس ایجاد می‌کرد این حقیقت بود که متفقین نمی‌دانستند که آن را به چه سلاح‌هایی مجهز کرده‌اند. آن‌ها می‌دانستند که در هس توپ کار گذاشته شده است، اما هیچ‌کس در ارتش‌های متفقین از تعداد و کالیبر آن توپ‌ها خبر نداشت. گوبلز دفاعی کمتر داشت اما هنگامی که قدرت آتش آن با هس ترکیب می‌شد هنوز یک مشکل بزرگ برای متفقین بوجود می‌آورد. درحقیقت، آتشبار گوبلز به ۳ قبضه توپ ۱۷۰ میلیمتری و ۴ قبضه توپ ۱۰۵ میلیمتری مسلح بود.

در نهایت، عملیات هرچه بیشتر کاهش یافت و عملیات پیاده شدن چترباز در جناحین لشکر دوم پیاده کانادا با یک عملیات آب‌خاکی توسط کماندوها جایگزین شد.

عملیات اورلورد (نرماندی)^۱

در کنفرانس کازابلانکا، ژانویه ۱۹۴۳م، به یک گروه ماموریت داده شد تا در لندن طرح تک به اروپا را تهیه کنند. این طرح توسط ستاد مرکب متفقین تهیه گردید و در کنفرانس تهران و قاهره در نوامبر ۱۹۴۳م، تصویب و تاریخ اجرای آن نیز مشخص شد و ژنرال دوایت آیزنهاور که از افسران بخش احتیاط ارتش آمریکا بود به سمت فرماندهی عالی اجرای این طرح تعیین گردید. در اجرای این طرح، سه فرماندهی عالی زیر امر مستقیم آیزنهاور قرار داده شد. ژنرال مونتهگمری انگلیسی به فرماندهی کل نیروهای زمینی، آدمیرال رمزی به فرماندهی نیروهای دریایی و مارشال هوایی مالوری به فرماندهی نیروهای هوایی انتخاب شدند.

طراحان قرارگاه فرماندهی عالی متفقین، برای انتخاب منطقه پیاده شدن نیروها عوامل زیادی را مورد توجه قرار دادند که مهمترین آنها تامین پوشش هوایی، انتخاب سواحل کم شیب، ظرفیت نزدیک شدن کشتی‌ها، توان رزمی آلمانی‌ها و آرایش آن‌ها، تعداد قایق‌های هجومی و هواپیماهای ترابری موجود بودند. برای پیاده کردن نیرو ابتدا سواحل منطقه باریک لوهاورکال که شیب ملایم و مناسب داشت و سرانجام در مرحله نهایی، منطقه لوهاورکان - شربورگ انتخاب گردید. استعداد کل نیروهای متفقین در ۶ ژوئن ۱۹۴۴م، به حدود ۲/۸۷۶/۰۰۰ نفر رسید که سازمان عناصر زمینی آن، شامل ۴۵ لشکر بود. تعداد ۱۲/۰۰۰ فروند هواپیما و ۶/۰۰۰ کشتی و انواع قایق‌ها، عملیات را پشتیبانی می‌کردند. (جمالی و رستمی، ۱۳۸۱: ۵۱۵)

^۱ Invasion of Normandy

این بار پیاده کردن نیروها، به جای اینکه همچون موارد دیگر با شتاب انجام گیرد، با دقت بسیار تدارک دیده شد. کرانه‌های فرانسه را بررسی کردند. نیروهای انبوهی فراهم کردند. تانک‌هایی داشتند مجهز به مین جمع‌کن که کارشان پاک کردن نواحی مین‌گذاری شده بود، تانک‌های خاکی و آبی داشتند، تانک‌هایی داشتند برای نابود کردن بناهای بتونی، تانک‌هایی که راه خود را باز می‌کردند، و نیز تانک‌هایی که کارشان ایجاد جاده‌های مواصلاتی بود. دو لنگرگاه مصنوعی به نام مالبری^۱ داشتند که دو کرانه دریای مانش را به یکدیگر متصل می‌ساخت. (تیلور، ۲۰۰۹: ۳۲۹)

در روز اول تک متفقین، نیرویی که در ساحل نرماندی (باختر فرانسه) پیاده کردند حدود ۱۰ لشکر بود که شامل ۶ لشکر هوابرد، ۲ تیپ کماندو، یک گردان تکاور. در کل قرار بود که ۵/۳۰۰ کشتی و قایق، تعداد ۱۵۰/۰۰۰ رزمنده و ۱/۵۰۰ تانک را در ۴۸ ساعت اول تک، در جبهه دوم (نرماندی) پیاده کنند.

تلاش متفقین بر این متمرکز بود که دشمن را در مورد محل واقعی پیاده شدن نیروها فریب دهند. سواحل واقع شده میان لوهاور و کاله که کمترین فاصله را تا انگلستان دارند و عوامل دیگر مثل شیب ملایم و غیره، این تصور را در ذهن فرماندهان آلمانی تقویت می‌کرد که گمان کنند متفقین در این منطقه پیاده می‌شوند.

مشکل عمده متفقین پس از کسب آمادگی ۲ چیز بود: یکی وضع هوا و دیگری پدافند کنندگان آلمانی. شرایط هوا بسیار نامساعد بود. توفان و امواج شدید دریا برای مهاجمان مشکلات جدی ایجاد می‌کرد. در آن سوی دریای مانش در ساحل نرماندی نیروهای آلمان تحت فرماندهی فیلد مارشال فن روندشتدت که فرمانده کل نیروهای آلمان در باختر بود و سپس فیلد مارشال رومل فرمانده گروه ارتش ب و همچنین ارتش هفتم آلمان به فرماندهی ژنرال دالمن در برابر متفقین قرار داشتند.

در شب پنجم و ششم ژوئن، نخستین چتربازان و یگان‌های هوابرد، در ساعت ۰۲۰۰ پشت "دیوار اقیانوس اطلس" هیتلر پیاده شدند تا پل‌های استراتژیک را تخریب کنند و یا به تصرف

^۱ Mulberry

درآوردند. آلمانی‌ها غافل‌گیر شده بودند. البته آنها نسبت به آغاز تک متفقین تا حدی پیش‌بینی - هایی می‌کردند، اما غافل‌گیری آنها در مورد مکان فرود آمدن نیروهای آنها کامل بود. سه عامل عمده مانع از بیرون راندن و انهدام نیروهای متفقین در سرپل اشغالی بود. اول اینکه متفقین برتری کامل هوایی داشتند. دوم اینکه از آغاز ۱۹۴۴ م، بمباران‌های شدید هوایی متفقین بیشتر ارتباطات و خطوط مواصلاتی آلمانی‌ها در شمال فرانسه را از بین برده و به ویژه راه‌آهن را منهدم کرده بود. در نتیجه تحرک آلمانی‌ها بسیار محدود شده بود. سوم اینکه هیتلر تا آخرین لحظه اصرار می‌ورزید که محل پیاده شده واقعی متفقین در منطقه کاله است و با دخالت‌های بی‌جای خود مانع می‌شد تا رومل بتواند نیروهای احتیاط را به موقع وارد عمل نماید. در اواخر ماه ژوئیه، حدود ۲ ماه پس از آغاز عملیات، آمریکایی‌ها با تانک‌های خود به سوی رودخانه لوآر پیش تاختند و سرانجام در ۲۵ اوت پایتخت فرانسه آزاد شد. در ماه اوت سراسر نورماندی آزاد شد. پس از سه ماه، جنگ در فرانسه به پیروزی متفقین انجامید و آلمانی‌ها نیم میلیون نفر که ۲۰۰/۰۰۰ نفر آنها به اسارت درآمدند، از دست داد.

عملیات فیلیپین

در پاییز ۱۹۴۴م آمریکایی‌ها، با گردآوری نیروی آموزش‌دیده و تجهیزات مناسب برای هجوم به فیلیپین آماده شدند. ژنرال داگلاس مک آرتور به فرماندهی کل اقیانوس کبیر منصوب شد. وی در سال‌های ۱۹۴۱-۱۹۴۲م در فیلیپین جنگیده بود و آشنایی خوبی با اوضاع و احوال منطقه داشت. تک به فیلیپین از چند نظر برای آمریکا و ژاپن اهمیت فراوانی داشت. ژاپنی‌ها می‌بایستی در آنجا بخش عمده ناوگانی را به کار برند که حفظ آنها جنبه حیاتی داشت. زیرا صنایع آنها دیگر نمی‌توانست ضایعات را جبران کند. حضور در فیلیپین برای ژاپنی‌ها حکم مرگ یا زندگی داشت. اگر آمریکایی‌ها بر آن مستولی می‌شدند می‌توانستند رابطه میان ژاپن و اندونزی را که بخش اعظم مواد خام ژاپن را تهیه می‌کرد قطع کنند. هر گاه ناوگان ژاپن به سوی شمال می‌رفت، از نفت اندونزی محروم می‌ماند و اگر به سوی جنوب حرکت می‌کرد، رابطه آن با صنایع ژاپن قطع می‌شد. مک آرتور نخست در اکتبر ۱۹۴۴ به عملیات گسترده‌ای در دریا و خشکی علیه جزیره لایت^۱ که در مرکز مجمع‌الجزایر فیلیپین بود دست زد. نبرد

^۱ Leyte

لایت که در واقع یک رشته درگیری در منطقه وسیع بود، از عملیات‌های قاطع در میان جنگ‌های دریایی به شمار می‌رفت. عملیات در بامداد ۲۳ اکتبر ۱۹۴۴م آغاز گشت. روز بعد در همان ساعت هواپیماهای آمریکا توانستند کشتی موساشی، را که بزرگترین کشتی جهان به شمار می‌رفت (به ظرفیت ۷۲/۰۰۰ تن)، با ۱۳ بمب سنگین و دو اژدر هوایی غرق کنند. شب بعد، دو کشتی زره پوش، یک رزمنوا و سه ناوشکن ژاپنی غرق شد. و روز ۲۵ اکتبر، ژاپن ضربت مهلک دیگری دریافت کرد. زیرا سه کشتی زره پوش، سه کشتی هواپیما، دو رزمنوا، نه ناوشکن و یک زیردریایی را از دست داد. ژاپن دیگر نمی‌توانست هرگز این ضایعه را جبران کند. ناوگان امپراتوری که بیش از حد ضعیف شده بود، از این پس می‌بایستی کار خود را محدود به عملیات پدافندی و تک‌های «کامیکازی»‌ها کند. آنها هواپیماهایی بودند که خلبانانشان خود را با هواپیما به عرشه کشتی‌های دشمن می‌کوبیدند. مهمترین جزایر فیلیپین طی زمستان ۱۹۴۴ و بهار ۱۹۴۵ تسخیر شد. آمریکایی‌ها در همان زمان خود را به ژاپن رساندند و تعدادی از مواضع داخلی آن مثل رین-کین، جزایر بونین و جزایر ولکین^۱ به دست آوردند تا از آنجا بتوانند ژاپن را به تسلیم وادار کنند. جنگ، به تدریج به صورت بسیار شدیدی ادامه یافت. ژاپنی‌ها در نامیدی، اما بسیار دلیرانه می‌جنگیدند. تلفات ناشی از مقاومت آنان سرسام‌آور بود. در اوکیناوا ۲۰ کشتی زره‌پوش و ۳۳ کشتی هواپیما در پیاده کردن نیرو کمک کردند. کشتی زره پوش یاماموتو^۲ که از بزرگترین کشتی‌های جهان بود غرق شد. جنگ در روی خشکی، ۳ ماه ادامه داشت. هنگام سقوط اوکیناوا که پایگاهی استراتژیک در سرزمین ژاپن بود، از ۱۱۰/۰۰۰ نفر ژاپنی که می‌جنگیدند ۸/۰۰۰ نفر اسیر شده و بقیه با پایداری تا آخرین نفس، بی‌رحمانه کشته شده بودند. اولین بار بود که این تعداد ژاپنی خود را تسلیم می‌کردند. ژاپن در اوکیناوا ۴۰۰۰ هواپیما از دست داد. تلفات نیروی زمینی آمریکایی‌ها ۷۶۱۳ کشته و ۳۱/۸۰۰ زخمی گزارش شد. تلفات نیروی دریایی آمریکا هم در عملیات اوکیناوا ۴/۹۰۰ کشته و ۴/۸۰۰ زخمی بود.

^۱ Vulcain

^۲ Yamamoto

پرل هاربر

در روز یکشنبه هفتم دسامبر ۱۹۴۱ ژاپن که متحد آلمان بود به پایگاه نیروی دریایی آمریکا در پرل هاربر هاوایی حمله کردند. روز بعد در واکنش به این حمله هوایی ویرانگر که بیش از ۲۴۰۰ ملوان را کشت و ۱۰۰۰ نفر دیگر را مجروح کرد، آمریکا و بریتانیا هر دو به ژاپن اعلان جنگ دادند. در این زمان آلمان و ژاپن به همراه ایتالیای فاشیست وارد توافقی به نام پیمان سه جانبه شدند. بر اساس این پیمان در صورتی که یکی از آنها مورد حمله کشوری قرار می‌گرفت که پیش از آن وارد جنگ نشده بود آنها ملزم به همکاری متقابل نظامی بودند. هیتلر نیز شخصاً به وزیر امور خارجه ژاپن اطمینان داده بود که، در صورتی که بین آمریکا و ژاپن جنگ درگیرد، به ژاپن کمک خواهد کرد (گاوین، ۲۰۰۶: ۹۸-۹۷).

ژاپن بدون اعلام جنگ، با یک ناوگان نیرومند مشتمل بر چندین ناو هواپیمابر، در جزیره هاوایی علیه بزرگترین پایگاه دریایی آمریکا در اقیانوس آرام دست به آفند زد. طرح کلی ژاپنی این بود که پس از انهدام مقدمات نظامی آمریکا در پرل هاربر، همان روز در مالایا (مالزی) و دو روز بعد در فیلیپین نیرو پیاده کند. اشغال هندوچین (ویتنام) و تایلند نیز در مرحله اول عملیات، در برنامه نظامی ژاپن گنجانیده شده بود. نیروی ضربتی ژاپن برای تک به پرل هاربر که روز ۲۶ دسامبر از مبدا خود واقع در شمال ژاپن حرکت کرده بود، پس از سوختگیری مجدد در ۴ دسامبر طوری به حرکت خود ادامه داده بود که بتواند در بامداد روز هفتم دسامبر، به موضوع تک برسد. در نیروی ضربتی، شش ناو هواپیمابر که با دو رزم‌ناو همراهی می‌شدند و دو ناوشکن سنگین شرکت داشتند. آمریکایی‌ها از طریق افزایش حجم مکالمات رادیویی ژاپنی‌ها دریافتند که آنها در نظر دارند دست به انجام عملیات بزنند. به کلیه نیروهای مستقر در اقیانوس آرام اعلام خطر شد، اما هنگامی که ژاپنی‌ها به پرل هاربر رسیدند، آمریکایی‌ها در تعطیلات آخر هفته بودند، هواپیماها پراکنده نشده بودند، کشتی‌ها آرام در صفوف منظم لنگر انداخته بودند و هیچ‌گونه پرواز شناسایی صورت نگرفته بود. دو فروند کشتی آمریکایی بندر را ترک کرده بودند. این دو کشتی آماد و تدارکات به جزایر ویک^۱ حمل می‌کردند. اما هشت رزم ناو در کنار ساحل لنگر انداخته بودند. نیروی ضربتی در ساعت ۶ بامداد روز ۷ دسامبر،

^۱ Wake

هوایماهای خود را به پرواز درآورد. قرار بود که تک در دو موج انجام شود. یک موج در ساعت ۷:۴۰ و موج بعد در ساعت ۸:۵۰ طبق این برنامه هوایماها دسته دسته، بر بندرگاه بمب فرو ریختند و سراسر آن را به آتش کشیدند. کشتی‌ها طعمه آتش شدند و در کام دریا فرو رفتند و مازوت فراوان بر آب گسترده شد. در کمتر از ۲ ساعت، هوایماهای ژاپنی، بیشتر ناوگان آمریکایی را نابود کردند. چهار فروند از کشتی‌های زره‌پوش غرق شد و دیگری به سختی آسیب دید. سه ناوشکن به کلی از کار افتاد تصادفاً در زمان تک، کشتی‌های هوایمابر آمریکایی در وسط اقیانوس مشغول رزمایش بودند. با وجود این، ژاپنی‌ها ناوگان آمریکا را در اقیانوس آرام از کار انداختند. طی شش ماه بعد، ژاپنی‌ها در حملات شگفت‌انگیز، بدون روبرو شدن با مقاومت جدی امپراتوری بزرگی، به دست آوردند. به زودی فیلیپین، مالزی، هنگ کنگ، سوماترا، جاوه، برنئو و جزایر دیگر اندونزی را تصرف کردند. در همان زمان، چندین شکست دریایی دردناک بر متفقین وارد کردند و چند پایگاه آمریکایی را در اقیانوس آرام، از جمله گوام و ویک را تصرف کردند.

عملیات میدوی

عملیات میدوی بزرگترین جنگ دریایی در اقیانوس آرام در جنگ جهانی دوم بود. در ۴ ژوئن ۱۹۴۲م عملیات دریایی میدوی (Battle of Midway) در اقیانوس آرام میان ژاپن و آمریکا آغاز شد. این جنگ یکی از تعیین‌کننده‌ترین عملیات‌های جنگ جهانی دوم در منطقه اقیانوس آرام محسوب می‌شود.

نیروی دریایی امپراتوری ژاپن به فرماندهی دریادار یاماموتو ایسوروکو قصد داشت با تسخیر جزایر میدوی حوزه دفاعی خود در اقیانوس آرام را گسترش داده و خطر هرگونه ضدحمله آمریکا را از طریق مجمع‌الجزایر هاوایی یا از طریق استرالیا از بین ببرد. در جزایر میدوی پایگاه‌های هوایی پیشرفته‌ای برای حفاظت از مجمع‌الجزایر هاوایی توسط آمریکایی‌ها ایجاد شده بود. مجمع‌الجزایر هاوایی در ۱۵۰۰ مایلی جزایر میدوی قرار داشت.

دریادار یاماموتو ایسوروکو پیش از این فرماندهی حمله به پایگاه دریایی پرل هاربر آمریکا در مجمع‌الجزایر هاوایی را بر عهده داشت که منجر به آغاز جنگ میان ایالات متحده و امپراتوری ژاپن شد. یاماموتو در پی موفقیت در عملیات دریای کوریل تصمیم گرفت با حمله به جزایر میدوی و پایگاه دریایی آمریکایی‌ها در آن، بخش اصلی ناوهای هوایمابر آمریکا را نابود کرده

و کنترل ژاپن بر اقیانوس آرام را تضمین کند. در روز ۴ ژوئن و در ساعت ۰۴۳۰ دریا بد ناگومو چوایچی به دستور فرمانده کل نیروی دریایی امپراتوری ژاپن دریادار یاماموتو حمله به جزایر میدوی را با استفاده از تعداد زیادی هواپیماهای بمب‌افکن آغاز کرد.

بمباران‌های هواپیماهای ژاپنی برای نابود کردن مواضع دفاعی آمریکایی‌ها در جزایر میدوی و اشغال آن کافی نبود. عملیاتی سهمگین در دریا و آسمان میان نیروهای دو طرف در گرفت، از ۴ فروند ناو هواپیمابر ژاپن که برای این حمله اعزام شده بود ۲ ناو هواپیمابر ژاپنی در همان روز اول یعنی ۴ ژوئن و ۲ ناو هواپیمابر دیگر در روز ۵ ژوئن غرق شدند. ناو هواپیمابر یورک تاون آمریکایی‌ها نیز که بشدت آسیب دیده بود در روز ۷ ژوئن غرق می‌شود.

اطلاعات دقیق آمریکایی‌ها سبب شده بود که از نقشه دریادار یاماموتو ایسوروکو از پیش آگاه شده و در نتیجه ضربات قاطعی بر ناوگان ژاپن وارد کردند. این عملیات از این رو اهمیت داشت که میان ناوهای هواپیمابر دو طرف صورت می‌گرفت. پس از این جنگ به حضور نظامی ژاپن در اقیانوس آرام مرکزی پایان داده شد.

عملیات میدوی پس از ۳ روز درگیری تمام عیار در روز ۷ ژوئن خاتمه یافت. در این جنگ حدود ۳۰۵۷ نفر از نظامیان ژاپنی و حدود ۳۰۷ نفر از آمریکایی‌ها کشته شدند. در این جنگ ژاپنی‌ها ۴ ناو هواپیمابر، ناو هواپیمابر ژاپنی آکاگی، ناو هواپیمابر ژاپنی کاگا، ناو هواپیمابر ژاپنی سوریو و ناو هواپیمابر ژاپنی هیرویو، یک نبردناو سنگین، رزمناو ژاپنی میکوما و حدود ۲۴۸ هواپیمای خود را از دست دادند. آمریکایی‌ها نیز یک ناو هواپیمابر یواس اس یورک تاون (سی‌وی-۵) و یک ناوشکن، یواس اس هامان (دی‌دی-۴۱۲) و همچنین حدود ۱۵۰ هواپیمای خود را از دست دادند (تدین و احمدی، ۱۳۶۹: ۱۱۹).

عملیات دریای مرجان (کورال سی)

عملیات دریای مرجان نبردی دریایی است در جنگ جهانی دوم که در تاریخ ۴ می سال ۱۹۴۲ میان نیروی دریایی امپراتوری ژاپن و نیروی دریایی و هوایی ایالات متحده آمریکا و استرالیا شروع شد و در تاریخ ۸ مه سال ۱۹۴۲ به پایان رسید.

در دریای مرجان، از ۴ تا ۸ می ۱۹۴۲، یک عملیات دریایی بزرگ بین نیروی دریایی امپراتوری ژاپن (IJN) و نیروی دریایی و هوایی ایالات متحده و استرالیا بود. این جنگ که در تئاتر اقیانوس آرام جنگ جهانی دوم اتفاق می‌افتد، به‌عنوان اولین اقدامی که در آن ناوهای هواپیمابر با

یکدیگر درگیر شدند و اولین اقدامی که در آن کشتی‌های مخالف نه دیدند و نه مستقیماً روی یکدیگر شلیک کردند، از نظر تاریخی مهم است.

در می ۱۹۴۲ سه ماه پس از شکست میدوی، ژاپن برای تلافی، با بسیج ۳ ناو هواپیمابر، ۲۴ رزمناو و کشتی جنگی و ۱۲۵ هواپیما حمله به جزیره گینه را آغاز کردند اما قوای مشترک آمریکا و انگلیس متشکل از ۲ ناو هواپیمابر، ۲۴ رزمناو، نبردناو و ۱۴۳ هواپیما مانع آنها شدند. جنگ سنگین بین طرفین آغاز شد که ۵ روز به طول انجامید و اگرچه منجر به نابودی یک ناو هواپیمابر آمریکا و ۴۶ هواپیمای متفقین شد اما چون ژاپن نیز ۲۰ هواپیما و یک ناو هواپیمابر خود را از دست داد و مضافاً آن که قادر به پیاده کردن نیرو در گینه نشد می‌تواند گفت جنگ مذکور بدون برنده بود. (غفوری، ۱۳۸۶) این جنگ شگفتی آفرید. برای نخستین بار در تاریخ دو ناوگان، در صفی به درازای بیش از ۱۶۱ کیلومتر، بی آنکه در دیدرس یکدیگر قرار گیرند، جنگیدند. (تیلور، ۲۰۰۹: ۲۲۶)

عملیات اقیانوس اطلس (جنگ زیردریایی)

مارس ۱۹۴۳ بدترین ماه جنگ برای متفقین در اقیانوس اطلس بود. در اسناد دریاداری انگلستان، آلمانی‌ها هرگز به اندازه ۲۰ روز اول مارس ۱۹۴۳ این همه به از هم گسیختن راه‌های ارتباطی دنیای جدید و قدیم نایل نشده بودند. انگلیس‌ها ۲ طرح جدید را تکمیل کردند: دستگاه پرسر و صدایی (با فرکانس زیاد برای جهت‌یابی) که محل زیردریایی‌ها را تعیین می‌کرد و رادار هدف‌یاب که رادارهای کوچک را قادر می‌ساخت برای ردیابی هواپیماها و کشتی‌های جنگی کوچک آماده شوند.

دریاسالار ماکس هورتن^۱، که فرماندهی هدف‌های بمباران در جبهه غرب را بر عهده داشت، از این ابزار استفاده‌ای در خور کرد. وی، بجای اینکه در میان اقیانوس زیردریایی‌های آلمان را شکار کند، گروه‌های پشتیبان تشکیل داد، که در برابر قصد حمله زیردریایی‌ها به کاروان‌های جنگی-تجاری، دست به ضد حمله می‌زدند. در ۴ ماه می دو گروه پشتیبان انگلیسی با یک دسته زیردریایی آلمانی درگیر شدند، که در نتیجه ۷ زیردریایی غرق شدند و تنها ۱۲ کشتی بازرگانی از دست رفتند. پس از اندک زمانی ۵ زیردریایی دیگر بی آنکه حتی یک کشتی

¹ Max Horton

بازرگانی را غرق سازند، غرق شدند. دونیتس نتوانست چنین خسارت‌هایی را تحمل کند. از این رو دست از جنگ زیردریایی‌ها کشید و به هیتلر گزارش کرد: «ما با بزرگترین بحران زیردریایی‌ها روبرو شده‌ایم، چون دشمن با ابزارهای نوین تعیین محل، جنگ را امکان‌ناپذیر ساخته است». جنگ زیردریایی‌ها هرگز چنان که باید از سر گرفته نشد. گروه‌های پشتیبان هورتون، که مجهز به دستگاه جهت‌یاب با فرکانس زیاد و رادارهای هدف‌یاب و هواپیماهای گشتی بودند، عملیات اقیانوس اطلس را بردند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

به منظور مقایسه عملیات‌های دریایی جنگ جهانی اول و دوم، با توجه به گستردگی جنگ‌ها تعداد ۷ عملیات دریایی که از لحاظ گستردگی، تعداد ادوات جنگی، نیروهای شرکت‌کننده، میزان تاثیرگذاری بر روند جنگ و... انتخاب و فرآیند مطالعه تطبیقی (تشابه و تفاوت) در خصوص آنها اعمال گردید.

ضمناً از اصول ۹ گانه جنگ که در بخش مبانی نظری و ادبیات تحقیق به آنها اشاره شد، اصول مرتبط با هریک از عملیات‌ها در جداول مربوطه منظور و مورد بررسی قرار گرفت.

جدول (۲) عملیات‌های دریایی جنگ جهانی اول

اصول جنگ به کار رفته	تشریح	عملیات	R
اصل هدف اصل مانور	در اوت ۱۹۱۴م تعداد ۶ کشتی انگلیسی و ۴ کشتی از استرالیا و زلاندنو برای تصرف پایگاه‌های دریایی آلمانی‌ها به حرکت در آمدند.	عملیات دریایی خلیج هلی گولاند	۱
اصل آفند اصل غافل‌گیری	انگلیسی‌ها یک تاخت دریایی در آبهای آلمان انجام و ۳ رزم‌ناو سبک و یک ناوشکن آلمانی را غرق نمودند.		
اصل تامین	۱/۰۰۰ نفر کشته و زخمی تلفات آلمانی‌ها و ۳۳ نفر تلفات انگلیسی‌ها. انگلیس هیچ ناو خود را از دست ندادند.		

اصول جنگ به کار رفته	تشریح	عملیات	R
اصل تمرکز قوا	دریاسالار آلمانی «فن اشپه» در بین راه رزمناو «امدن» را از خود جدا کرد و آن را تحت فرماندهی ناخدا «کارل فن مولر» به مأموریت در اقیانوس هند اعزام نمود و همزمان رزمناوی را که در مغرب هندوستان بود جزو کاروان دریایی خود درآورد.	عملیات دریایی امدن	۲
اصل سادگی اصل غافل‌گیری اصل تمرکز قوا	رزمناو «امدن» توانست کشتیرانی انگلیسی‌ها را در اقیانوس هند مختل نموده و با انهدام کشتی‌ها و غنائم جنگی بسیار از جمله غنائم دریایی، ۲۱ کشتی ضبط و توقیف محموله آنها، میلیون‌ها دلار خسارت به دشمن وارد نماید.		
اصل سادگی	در ۲۳ سپتامبر یک زیر دریایی آلمانی به <u>تنهایی</u> توانست دور از سواحل کشور خود ۳ رزمناو انگلیسی «ابوقیر» «هوغ» و «کریسکی» را یکی بعد از دیگری غرق کند و ۱۴۰۰ خدمه آن را به قعر دریا بفرستد.	عملیات زیردریایی آلمان	۳
اصل آفند	در ۱۸ اکتبر نیز آلمانی‌ها مبادرت به تاخت در «اسکاپا-فلاو» کردند.		
اصل غافل‌گیری	در ۲۷ اکتبر یک ناو انگلیسی در اثر برخورد با مین‌هایی که آلمانی‌ها در سواحل ایرلند کارگذاری کرده بودند، غرق شد.		
اصل غافل‌گیری	این عملیات دریایی که به شکست آلمانی‌ها منجر گردید، یکی از قطعی‌ترین شکست‌ها در تاریخ جنگ دریایی است.	عملیات دریایی جزایر	۴

اصول جنگ به کار رفته	تشریح	عملیات	R
اصل تامین	در این جنگ دریاسالار «فن اشیبه» و ۲۳۰۰ آلمانی کشته شدند. از ۵ رزم‌ناو آلمانی، ۴ ناو غرق و تنها یک ناو بنام «درسدن» موفق به فرار گردید و آن هم بعداً در مارس ۱۹۱۵م. غرق شد. تلفات انگلیسی‌ها تنها ۱۰ کشته و ۵۰ مجروح بود.	فالکلند	
اصل آفند اصل هدف اصل مانور	در ۲۳ ژانویه گروه، رزم‌ناو جنگی آلمان تحت فرماندهی دریابان «فرانتز فن هیپر» به منظور تاخت به سواحل انگلستان و ایذاء و ستوه کشتی‌های ماهی‌گیری از پایگاه خود به حرکت درآمدند.	عملیات دوگربانک	۵
اصل تامین	انگلیسی‌ها که از طریق استراق سمع به حرکت این ناوگروه پی برده بودند		
اصل تامین اصل مانور	«هیپر» عاقلانه عمل کرد و به سوی پایگاه خود در جزایر مستحکم «هلی گولند» فرار کرد		
اصل هدف اصل آفند اصل غافل‌گیری	تک دریایی بدون نتیجه انگلیسی‌ها، با کمک فرانسه برای در دست گرفتن تنگه داردانل و استانبول اجرا گردید. در این عملیات دریایی، ناوگان انگلستان در بازگشت به رشته‌ای از مین برخورد، که به موازات ساحل کار گذاشته بودند، به نحوی که مین‌جمع‌کن‌ها متوجه آنها نشدند. انگلیس ۳ ناو سنگین و تعدادی ناوهای کوچکتر خود را از دست داد.	عملیات دریایی داردانل و گالیپولی	۶
اصل مانور	«ناوگان آلمان در ۳۰مه، در تعقیب کشتی‌های انگلیس از طریق «اسکاژراک» وارد دریای شمال شد.	عملیات	
اصل تامین اصل تمرکز قوا	در جلو و پیشاپیش آن، ناوگان دیده‌ور و اکتشافی به فرماندهی «فن هیپر» حرکت می‌نمود که متشکل از ۴۰ ناو تندرو بود که هسته مرکزی آن را ۵ رزم‌ناو	ژولند	۷

اصول جنگ به کار رفته	تشریح	عملیات	R
	جنگی تشکیل می‌داد.		
اصل غافل‌گیری	فرار کشتی‌های انگلیسی و تعقیب آنها توسط آلمانی‌ها دامی بود که انگلیسی‌ها بر سر راه نیروی دریایی آلمان گسترده بودند.		
تمرکز قوا	روی هم رفته انگلیسی‌ها ۳۷ کشتی بزرگ در دریا داشتند: ۲۸ «درناوت» و ۹ رزم‌ناو جنگی، در مقابل آلمانی‌ها ۲۷ کشتی بزرگ: ۱۶ «درناوت»، ۶ نبرد ناو قدیمی و ۵ رزم‌ناو جنگی.		

جدول (۳) عملیات‌های جنگ جهانی دوم

اصول جنگ به کار رفته	شرح	عملیات	R
اصل آفند اصل مانور اصل هدف	به خاطر درگیری انگلیس در مدیترانه و اقیانوس اطلس بخش اصلی عملیات در اقیانوس آرام به آمریکا داده شود.		
اصل وحدت فرماندهی	با تاسیس کمیته نظامی مشترک به عنوان بالاترین بخش نظامی مشترک دو کشور موافقت شد در اول ژانویه ۱۹۴۲ آمریکا، شوروی، انگلستان و ۲۳ کشور دیگر، به طور رسمی به نیروهای متحدین (آلمان، ژاپن و ایتالیا) اعلام جنگ نمایند.	عملیات دیپ	۱
اصل غافل‌گیری	از بین ۷۰۰۰ کماندو و چترباز بسیاری از آنان که بیشتر کانادایی بودند کشته شدند.		
اصل مانور اصل تمرکز قوا	این عملیات که برای محک زدن توان آلمان در ساحل فرانسه به وقوع پیوسته بود نشان داد برای شکستن دفاع آلمان در غرب به نیروی زیادی نیاز		

اصول جنگ به کار رفته	شرح	عملیات	R
	است.		
اصل وحدت فرماندهی	ژنرال دوایت آیزنهاور به سمت فرماندهی عالی تعیین گردید. و سه فرماندهی عالی زیر امر مستقیم آیزنهاور قرار داده شد. ژنرال مونتهگمری انگلیسی به فرماندهی کل نیروهای زمینی، آدمیرال رمزی به فرماندهی نیروهای دریایی و مارشال هوایی مالوری به فرماندهی نیروهای هوایی انتخاب شدند.		
اصل تامین اصل هدف اصل مانور	طراحان قرارگاه فرماندهی عالی متفقین، برای انتخاب منطقه پیاده شدن نیروها عوامل زیادی را مورد توجه قرار دادند.		
اصل تامین اصل تمرکز قوا	این بار پیاده کردن نیروها، به جای اینکه همچون موارد دیگر با شتاب انجام گیرد، با دقت بسیار تدارک دیده شد. کرانه‌های فرانسه را بررسی کردند. نیروهای انبوهی فراهم کردند.	عملیات اورلورد (نرماندی)	۲
اصل آفند اصل تمرکز قوا	در روز اول تک متفقین، نیرویی که در ساحل نرماندی (باختر فرانسه) پیاده کردند حدود ۱۰ لشکر بود که شامل ۶ لشکر هوایرد، ۲ تیپ کماندو، یک گردان تکاور. در کل قرار بود که ۵/۳۰۰ کشتی و قایق، تعداد ۱۵۰/۰۰۰ رزمنده و ۱/۵۰۰ تانک را در ۴۸ ساعت اول تک، در جبهه دوم (نرماندی) پیاده کنند.		
اصل غافل‌گیری	آلمانی‌ها غافل‌گیر شده بودند. البته آنها نسبت به آغاز تک متفقین تا حدی پیش‌بینی‌هایی می‌کردند، اما غافل‌گیری آنها در مورد مکان فرود آمدن نیروهای آنها کامل بود. هیتلر تا آخرین لحظه اصرار می‌ورزید که محل پیاده		

اصول جنگ به کار رفته	شرح	عملیات	R
	شده واقعی متفقین در منطقه کاله است.		
اصل تمرکز قوا	در پاییز ۱۹۴۴م آمریکایی‌ها، با گردآوری نیروی آموزش دیده و تجهیزات مناسب برای هجوم به فیلیپین آماده شدند.	نبرد فیلیپین	۳
اصل غافل‌گیری اصل تمرکز قوا	عملیات لایت که در واقع یک رشته درگیری در منطقه وسیع بود، از عملیات‌های قاطع در میان جنگ‌های دریایی به شمار می‌رفت.		
اصل غافل‌گیری	شب بعد، دو کشتی زره پوش، یک رزمناو و سه ناوشکن ژاپنی غرق شد. و روز ۲۵ اکتبر، ژاپن ضربت مهلک دیگری دریافت کرد. زیرا سه کشتی زره پوش، سه کشتی هواپیما، دو رزمناو، نه ناوشکن و یک زیردریایی را از دست داد.		
اصل صرفه جویی در قوا	ناوگان امپراتوری که بیش از حد ضعیف شده بود، از این پس می‌بایستی کار خود را محدود به عملیات پدافندی و تک‌های «کامیکازی»‌ها کند.		
اصل آفند	در روز یکشنبه هفتم دسامبر ۱۹۴۱ ژاپن که متحد آلمان بود به پایگاه نیروی دریایی آمریکا در پرل هاربر هاوایی حمله کردند.	پرل هاربر	۴
اصل آفند اصل هدف اصل مانور	طرح کلی ژاپنی این بود که پس از انهدام مقدمات نظامی آمریکا در پرل هاربر، همان روز در مالایا (مالزی) و دو روز بعد در فیلیپین نیرو پیاده کند. اشغال هندوچین (ویتنام) و تایلند نیز در مرحله اول عملیات، در برنامه نظامی ژاپن گنجانیده شده بود.		
اصل تامین	به کلیه نیروهای آمریکایی مستقر در اقیانوس آرام		

اصول جنگ به کار رفته	شرح	عملیات	R
	اعلام خطر شد		
اصل غافل‌گیری	در کمتر از ۲ ساعت، هواپیماهای ژاپنی، بیشتر ناوگان آمریکایی را نابود کردند.		
اصل هدف	نیروی دریایی امپراتوری ژاپن قصد داشت با تسخیر جزایر میدوی حوزه دفاعی خود در اقیانوس آرام را گسترش داده و خطر هرگونه ضدحمله آمریکا را از طریق مجمع‌الجزایر هاوایی با از طریق استرالیا از بین ببرد.		
اصل هدف اصل آفند	یاماموتو تصمیم گرفت با حمله به جزایر میدوی و پایگاه دریایی آمریکایی‌ها در آن، بخش اصلی ناوهای هواپیمابر آمریکا را نابود کرده و کنترل ژاپن بر اقیانوس آرام را تضمین کند.	عملیات میدوی	۵
اصل تمرکز قوا	در روز ۴ ژوئن دریاچه ناگومو چوایچی حمله به جزایر میدوی را با استفاده از تعداد زیادی هواپیماهای بمب‌افکن آغاز کرد.		
اصل تامین اصل غافل‌گیری	اطلاعات دقیق آمریکایی‌ها سبب شده بود که از نقشه دریادار یاماموتو از پیش آگاه شده و در نتیجه ضربات قاطعی بر ناوگان ژاپن وارد کردند.		
اصل تمرکز قوا اصل آفند	در می ۱۹۴۲، ژاپن با بسیج ۳ ناو هواپیمابر، ۲۴ رزمناو و کشتی جنگی و ۱۲۵ هواپیما حمله به جزیره گینه را آغاز کرد.	عملیات دریای مرجان (کورال‌سی)	۶
اصل تامین	انگلیس‌ها ۲ طرح جدید را تکمیل کردند: دستگاهی با فرکانس زیاد برای جهت‌یابی که محل زیردریایی‌ها را تعیین می‌کرد، و رادار هدف‌یاب برای ردیابی هواپیماها و کشتی‌های جنگی کوچک.	عملیات اقیانوس اطلس (جنگ زیردریایی)	۷

اصول جنگ به کار رفته	شرح	عملیات	R
اصل غافل گیری	دونیتس در گزارش خود به هیتلر گفت: «ما با بزرگترین بحران زیردریایی‌ها روبرو شده‌ایم، چون دشمن با ابزارهای نوین تعیین محل، جنگ را امکان ناپذیر ساخته است».		

نتیجه‌گیری

نتیجه تحلیل عملیات‌های دریایی در خلال جنگ جهانی اول و دوم بشرح جداول زیر می‌باشد:

الف) اشتراکات و افتراقات عملیات‌های دریایی:

جدول (۴) اشتراکات و افتراقات عملیات‌های دریایی

الف - وجوه اشتراک و افتراق عملیات‌های دریایی جنگ جهانی اول و دوم از نظر بکارگیری اصول جنگ		
ملاحظات	افتراق	اشتراک
۱- از نظر منطقه درگیری نبرد نیز در طول جنگ جهانی اول بیشتر عملیات‌های دریایی در محدوده آبهای طرفین صورت گرفته در حالی که در جنگ جهانی دوم عملیات‌های دریایی در سطح وسیع و گسترده‌ای به وقوع پیوسته است.	۱- با توجه به تغییر ماهیت جنگ‌ها در طول جنگ جهانی دوم و بکارگیری عملیات‌های مرکب، استفاده از اصل وحدت فرماندهی به منظور ایجاد هماهنگی بین کشورهای حاضر در عملیات‌های دریایی بکارگیری شد.	۱- اصول هدف، مانور و آفند به عنوان اصول پایه در هر عملیات نظامی تقریباً در خلال عملیات‌های دریایی هر ۲ جنگ جهانی به طور مساوی بکارگیری شده است.
۲- در طول جنگ جهانی دوم، ایالات متحده آمریکا در عملیات‌های تاثیرگذار دریایی حضور گسترده و معناداری داشته است.	۲- با توجه به اجرای عملیات‌های مرکب، بکارگیری اصل تمرکز قوا به منظور ایجاد بیشترین ضربه به دشمن در طول جنگ جهانی دوم افزایش یافت.	۲- در هر ۲ جنگ، نیروها سعی در بکارگیری اصل غافل‌گیری نموده‌اند.

ب) فراوانی اصول جنگ بکارگیری شده در عملیات‌های دریایی جنگ جهانی اول و دوم

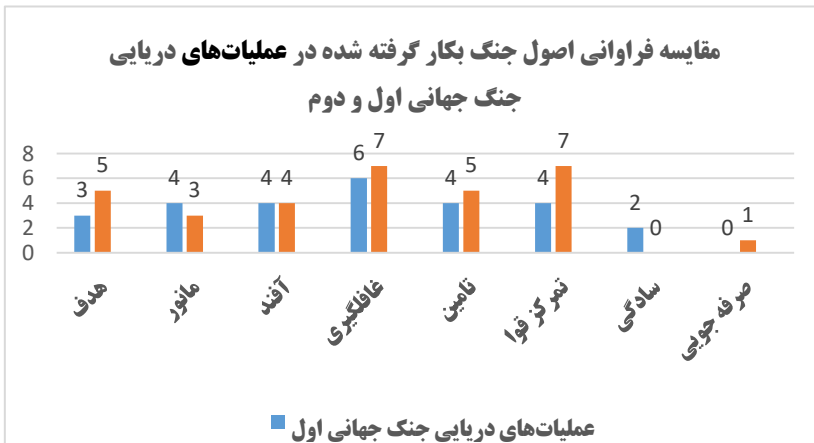
میزان فراوانی بکارگیری اصول جنگ در عملیات‌های دریایی در خلال جنگ جهانی اول و دوم

بشرح جدول مشروحه ذیل می‌باشد:

جدول (۵) فراوانی اصول بکارگیری شده در عملیات‌های دریایی جنگ جهانی اول و دوم

اصول جنگ	تامین	غافل‌گیری	آفند	هدف	صرفه‌جویی	وحدت فرماندهی	سادگی	تمرکز قوا	مانور
عملیات‌های دریایی جنگ جهانی اول	۴	۶	۴	۳	-	-	۲	۴	۴
عملیات‌های دریایی جنگ جهانی دوم	۵	۷	۴	۵	۱	۲	-	۷	۴

بر اساس میزان فراوانی اصول جنگ بکار رفته در عملیات‌های دریایی، می‌توان تمرکز



نمودار (۱) مقایسه فراوانی اصول جنگ بکار گرفته شده در عملیات‌های دریایی جنگ جهانی اول و دوم عملیات‌های دریایی جنگ جهانی اول بر اصل غافل‌گیری و تمرکز عملیات‌های دریایی جنگ جهانی دوم را بر تمرکز قوا و غافل‌گیری تعیین نمود. در تفسیر این نتیجه‌گیری می‌توان به میزان پیشرفت جنگ‌افزارها و یگان‌های شناور در خلال جنگ جهانی اول و دوم اشاره نمود. با توجه به عدم بکارگیری تجهیزات پیشرفته نظیر رادارها و جهت‌یاب‌ها در مدت جنگ جهانی اول، کشورهای متخاصم بیشتر بر غافل‌گیری طرف مقابل تاکید داشتند و سعی می‌نمودند از این نقطه ضعف رقیب حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورند.

در عملیات‌های دریایی جنگ جهانی دوم، بیشترین فراوانی اصول جنگ بکارگیری شده مربوط به تمرکز قوا می‌باشد. در این مقطع، کشورهای متخاصم حداکثر توان خود را برای ضربه زدن

به طرف مقابل با بکارگیری حداکثر توان بکار می‌گرفتند. علاوه بر این اصل، با توجه به تشکیل فرماندهی‌های مرکب در بین کشورهای متفقین و لزوم هماهنگی بین یگان‌های شرکت کننده در رزم دریایی، استفاده از اصل وحدت فرماندهی نقش تعیین کننده‌ای در ادامه روند عملیات‌ها داشته است؛ به گونه‌ای که سرنوشت جنگ جهانی دوم به نوعی به موفقیت متفقین در پیاده کردن نیروهای عمل کننده در سواحل فرانسه (نرماندی) و در پشت استحکامات قوی آلمان بستگی داشت.

امروزه نیز با بهره‌گیری از تجارب جنگ جهانی دوم، در جنگ‌های به وقوع پیوسته از راهبردهای جنگ‌های برق‌آسا با تکیه بر اصل تمرکز قوا استفاده می‌گردد و به نوعی یکی از ویژگی‌های تعیین کننده جنگ‌های آینده نیز به شمار می‌رود.

پیشنهادها

- ۱- تحقیقات مشابه‌ای در خصوص عملیات‌های زمینی و هوایی رخ داده در خلال جنگ‌های جهانی اول و دوم انجام گردد.
- ۲- با توجه به اهمیت دریا و تهدیدات دریای پایه جمهوری اسلامی ایران، به منظور آشنایی با راهبردها و شیوه جنگ دشمنان، عملیات‌های دریایی معاصر نیز مورد مطالعه تطبیقی قرار گیرد.
- ۳- نتایج بررسی عملیات‌های دریایی و تحلیل راهبردهای بکار گرفته شده در آنها به عنوان تکمیل کننده سیر تحول اندیشه نظامی مورد استفاده قرار گیرد.

قدردانی

از خبرگان توانمندی که در طول پژوهش، دانش خویش را سخاوتمندانه در اختیار محققان این پژوهش قرار دادند و استواری پژوهش حاضر بر مشارکت و دانش این بزرگواران قرار گرفته است بسیار سپاسگزاریم.

منابع

- افشردی، محمدحسین و قاضی‌پور، توحید و گلکاریان، داوود. (۱۳۹۸). **تشابهات و تفاوت‌های اصول جنگ و رهنامه**. تهران: فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک سال هفدهم،

- بی‌نا. (۱۳۸۰). اصول قواعد اساسی در رزم، تهران: چاپخانه دانشگاه افسری، دانشگاه افسری امام علی (ع)، مرکز آموزش‌های نظامی.
- تدین، احمد، احمدی، شهین. (۱۳۶۹). فرهنگ تاریخ، جلد دوم، مؤسسه انتشارات آگاه.
- تیلور، آلن جان پرسیوال. (۲۰۰۹). جنگ جهانی اول و دوم، ترجمه بهرام فرداد امینی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- جمالی، علی اصغر و رستمی، محمود. (۱۳۸۱). تاریخ نظامی جهان و هنر جنگ، تهران: انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع)، چاپ اول.
- ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۹۳). نقش دانشگاه‌ها در توسعه و نهادینه شدن نظام حقوق مالکیت فکری، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، (۱۸): ۲. ۱۲۳ - ۱۰۱.
- ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی ساختار مدیریت و رهبری دانشگاهی: مطالعه موردی هیئت‌های امنا، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران، (۸): ۳. ۷۷ - ۵۱.
- طحانی، غلامرضا و داناطوسی، عبدالرضا. (۱۳۹۰). تجزیه و تحلیل جنگ‌های دریایی، تهران: انتشارات دافوس آجا.
- عشقی، حمی. (۱۳۹۵). جنگ جهانی دوم از آغاز تا فرجام، تهران: آرمان رشد: انتشارات ابر و باد
- غفوری، علی. (۱۳۸۶). ۱۰۰ جنگ بزرگ تاریخ، تهران: هیرمند، چاپ دوم.
- گاوین، فیلیپ. (۲۰۰۶). جنگ جهانی دوم در اروپا، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس.
- First World War.com «تاریخ چندرسانه‌ای جنگ جهانی اول».

انگلیسی

- Clausewitz. On War. by aratol rapopor, Penguin bookones, London. 1983. bookones
- The International Relanons dictionary. Jack c.plano. Roy olton. U.S.A. edit 1982.